



## Locating Geographical Names in the Region of Kohgiluyeh and Boyer Ahmad, Emphasizing the Myth of Khosrow's Journey to Mount Dana Based on Historical Sources and Archaeological Research

Hossein Kohestani Andarzi<sup>\*1</sup>, Kavos Khosravi<sup>2</sup>

Received: 01/02/2022

Accepted: 06/07/2022

### Research background:

In mentioning the background of the studies carried out on the myth of Khosrow, the first part should be considered as the works that were written in the analysis and completion of the mystical reading approach of this myth. Among these analyzes are Purnamdarian's semantic analysis in the book *Rams and Ridiculous Stories in Persian Literature* (Poornamdarian, 2012, pp. 438-463) and Ghobadi's symbol analysis in the book *Ayin Aineh*. He mentioned the evolution of symbolism in Iranian culture and Persian literature (Qobadi, 2009, pp. 225-230), who have paid attention to the completion of the myth of Khosrau in Suhrawardi's interpretation. Hamdani's article, "Epic, myth and mystical experience; Suhrawardi's reading of the Shahnameh" (Hamdani, 2009, pp. 138-162) and Razmjo's analysis of mystical epics can be mentioned in a part of his work in the realm of epics (Rozmjo, 2002, vol. 1, p. 310). Modrasi's article "Ki Khosro Farhamand in the narration of Ferdowsi and Sohrvardi" (Madrasi, 2003, pp. 102-85), Hamidian's book called *Introduction to Ferdowsi's Thought and Art* (Hamidian, 1993, p. 323) and Saqibfar's article "The death of Khosrow" is one of the other cases in this context (Saqibfar, 1970, pp. 31-17). The second part of the research carried out on the myth of Khosrow should be

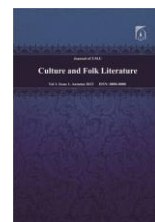
\* Corresponding Author's E-mail:  
hkoohestani@birjand.ac.ir

1. Assistant Professor of Archeology, Birjand University, Birjand, Iran

<http://www.orcid.org/0000-0002-4231-0862>

2. PhD Candidate of Archeology, University of Hamedan, Hamedan, Iran.

<http://www.orcid.org/0000-0001-8262-3487>



considered as the works that paid attention to the mythological analysis of the narrative text. This approach can be found in parts of Bahar's works, including research books on Iranian mythology, from myth to history and a survey of Iranian culture, an epic story in Iranian mythology by Zabihullah Safa, and the article "The Myth of Khosrow in the Shahnameh". A comparative view of this myth can also be seen in articles such as "Siavash, Masih (pbuh) and Kay Khosrow" by Aydanlu. Some articles (the third part) have analyzed the content of the concepts of the story. Among the quartet "Ki Khosro's biography" by Mehrdakht Broumand, "A summary of the joining of Ki Khosro to Soroush Ferdowsi" by Mazaheri, "Rostam; The worshiper of Ki Khosravi's religion" by Hamidi, "The story of Ki Khosro in the Shahnameh; Expression of a victory or allegory of a disaster" by Rashid Mohsal and the article "The Madness of Farzangi; An attitude towards the appearance of Ki Khosrow" by Khuzarai can be mentioned.

### **Objectives, questions, and assumptions**

The current research aims to answer the following questions; What are the most important reliable written sources that refer to the myth of Khosrow's trip to Mount Dana? To what extent can we rely on archaeological evidence about the myth of Khosrow's trip to Mount Dana?

The possible assumptions are: many reliable sources have mentioned the legend of Khosrow's journey, the most important of which are Ferdowsi's *Shahnameh*, *Tabari's History*, Mustofi Qazvini's *Selected History* and *Naseri's Farsnameh*. One of the most important archeological evidences related to the legend of Ki Khosrow is Tal Khosrow or Khosrow's Hill near Yasouj.

### **Conclusion**

The myth of Khosrow's trip to Mount Dana is popular among the people of these regions, apart from being composed and arranged by Ferdowsi, who has poems that are completely in line with the story's narration. In the first-hand historical sources that were written in the third and fourth centuries of Hijri, that story is also mentioned from the perspective of a historical event. There are geographical names in the area under discussion (Boyer Ahmad



and Dana cities), such as: Tal Khosro, Tal Zali, Madawan, Tang Ganjaei, Siskhet, Kokhdan, Bijan Pass, Besho Spring and Ghar Ki Khosrow, not only from the point of view of natural tourism and ecotourism, but also in the field of tourism and customs (cultural tourism) and especially the historical and geographical course of the myth, the narration of this myth and the explanation of the names of the mentioned places. It can have great potential to attract tourists. The myth of the journey of King Adel Kiani to Dana, unlike most myths, has such an order in the sequence of events that makes all parts of the story balanced and acceptable for the listener and reader. The ancient myths of Iran in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad are not legends but real events that have remained eternal in the minds of the people of this country.

### References

- Ghobadi, H. A. (2009). *Mirror ritual: the evolution of symbolism in Iranian culture and Persian literature*. Tarbiat Modares University.
- Hamedani, O. (2009). Epic, myth and mystical experience, Suhrawardi's reading of Shahnameh. *Bimonthly of Literary Criticism*, 2(7), 162-138.
- Madrasi, F. (2003). Ki Khosro Farhamand narrated by Ferdowsi and Sohrvardi. *Scientific-Research Quarterly Noght*, 13(37), 85-102.
- Pournamdarian, T. (2011). *Codes and secret stories*. Scientific and Cultural Publications.
- Razmjoo, H. (2002). *The realm of Iranian epic literature*. Institute of Humanities and Speech.
- Saghebfar, M. (1970). The death of Kaykhosrow. *Two Scientific-Research Quarterly Journals of the New World*, 25(3), 31-17.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۰، شماره ۴۵، مرداد و شهریور ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1401.10.45.1.8

## مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر اسطوره سفر کی خسرو به کوه دنا، براساس منابع تاریخی و پژوهش‌های باستان‌شناسی

حسین کوهستانی اندرزی\*<sup>۱</sup>، کاووس خسروی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵)

### چکیده

اسطوره‌ها در نگاهداشت فرهنگ و آداب و رسوم کهن ایران‌زمین جایگاه خاصی دارند. یکی از مهم‌ترین اسطوره‌های رایج در میان ساکنان بومی شهرستان‌های بویراحمد و دنا، اسطوره سفر کی خسرو، پادشاه کیانی ایران‌زمین به کوه دنا واقع در نزدیکی شهر سی سخت است. پژوهش حاضر براساس شیوه تاریخی - تحلیلی و تطبیقی است که براساس مطالعات کتابخانه‌ای و مستندات و باستان‌شناسی انجام شده است. با توجه به اینکه اسطوره سفر کی خسرو نه تنها در افواه و اذهان مردم منطقه بویراحمد و دنا، بلکه در مناطق جغرافیایی و اسامی اماکن آن به‌وضوح می‌توان آن را دید و شنید و از جمله اسطوره‌هایی به‌شمار می‌آید که نه تنها قرابت

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)

hkoohestani@birjand.ac.ir

<http://www.orcid.org/0000-0002-4231-0862>

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

<http://www.orcid.org/0000-0001-8262-3487>

ماهوی آن را در اسطوره‌های سایر ملل می‌توان یافت بلکه در کتب تاریخی به‌ویژه شاهنامه فردوسی می‌توان آن را مطالعه کرد؛ به همین سبب پرداختن به مطالعه اسطوره ذکر شده ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی اسطوره کی خسرو با اهداف و پاسخ به پرسش‌های اصلی پیش‌رو انجام پذیرفت: مهم‌ترین منابع مکتوب موثقی که به اسطوره سفر کی خسرو به کوه دنا اشاره کرده‌اند کدام‌اند؟ تا چه حد می‌توانیم در مورد اسطوره سفر کی خسرو به کوه دنا، به مدارک باستان‌شناختی استناد کنیم؟ علاوه بر شاهنامه فردوسی، در منابع دست اول تاریخی که در قرون سوم و چهارم هجری توسط مورخان اسلامی نوشته شده‌اند از جمله ابن‌اثیر، حمدالله مستوفی، حمزه اصفهانی و گردیزی به اسطوره کی خسرو از منظر واقعه تاریخی اشاره شده است. از مهم‌ترین مدارک و شواهد باستان‌شناختی مرتبط با اسطوره کی خسرو، تل خسرو در نزدیکی یاسوج است که هانیس گاوبه، باستان‌شناس اتریشی آنجا را کاوش کرده است.

واژه‌های کلیدی: کوه دنا، بویراحمد، نام‌های جغرافیایی، اسطوره، کی خسرو.

## ۱. مقدمه

انسان در هر دوره‌ای حتی با وجود تمام پیشرفت‌های علمی و ایدئولوژیکی کاملاً فارغ از اندیشه‌های اسطوره‌ای و اعتقاد به آیین‌ها و الگوهای رفتاری دوران اساطیری نیست، زیرا اساطیر نقش فعالی در پس‌زمینه ذهنی و ناخودآگاه جمعی مردم دارند؛ طوری که در ادیان، هنر، ادبیات و فرهنگ عمومی هر دوره‌ای تأثیر بسزایی دارد. با توجه به آنکه آفرینندگان ادبیات عامیانه که تمام مردم هستند و نه شخص خاصی، هنگام خلق آثار ادبی تحت تأثیر ضمیر ناخودآگاه جمعی هستند (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲). در روایات ایرانی برپایه متون پهلوی از چند شخصیت جاوید یاد شده که یکی از آنها کی خسروست (کریستن‌سن، ۱۳۸۶، صص ۲۱۹-۲۲۴). او فرزند سیاوش و جانشین

مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار

کی کاووس در سلسله کیانی است و شهریار دادگر به‌شمار می‌آید. وی پس از پیروزی بر افراسیاب دست از پادشاهی می‌کشد و لهراسب را به‌جانشینی خود برمی‌گزیند، سپس با ایرانیان بدرود می‌کند و همراه چند تن از پهلوانان که با وجود اصرار او باز نمی‌گردند بر فراز کوهی می‌رود. شب‌هنگام کی خسرو در آب روشن چشمه‌ای سر و تن می‌شوید و پس از آن یلان:

ز خسرو ندیدند جایی نشان ز ره بازگشتند چون بیهشان

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج. ۱/ص. ۹۱۱ ب ۳۰۵۴).

موضوع غیبت کی خسرو به‌غیر از شاهنامه در بعضی منابع دیگر هم، البته به‌صورت اختصار آمده است (میرعابدینی و صدیقیان، ۱۳۸۶، صص. ۲۱۷-۲۱۹). در سنت شفاهی - عامیانه ایرانی به این داستان شگفت‌انگیز بسیار توجه شده است. انجوی شیرازی شماری از این افسانه‌ها را به‌صورت مکتوب در کتاب *فردوسی‌نامه* تدوین کرده است (۱۳۶۹، ج. ۲/صص. ۲۹۰-۲۹۷، ج. ۳/صص. ۱۶۸-۱۸۲). در بیشتر روایات شفاهی محل معراج کی خسرو به‌جای کوه در شاهنامه، غار است. مشهورترین منبع این روایت، *اسکندرنامه* نظامی است که در آن اسکندر به‌دیدن غار محل ناپدید شدن کی خسرو می‌رود، اما نشانی نمی‌یابد (نظامی، ۱۳۸۷، صص. ۹۱۱-۹۱۲). از دیگر مآخذ کهن در این رابطه می‌توان به *الهی‌نامه* عطار (عطار، ۱۳۸۷، صص. ۲۵۸-۲۵۹) و *تحفه‌الملوک* علی‌بن ابی‌حفص‌بن فقیه محمود الاصفهانی اشاره کرد (اصفهانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۴). کی خسرو به‌مثابه یک اسطوره شخصیت، متنی تأویل‌پذیر است که بر مبنای دیدگاه و رویکرد خوانش، امکان تفسیر دارد. یکی از قدیم‌ترین تأویل‌ها از این اسطوره بر مبنای رویکرد عرفانی، توسط سهروردی انجام شده است. اسطوره کی خسرو پیچیدگی‌های نمادین خاصی دارد که شخصیت پادشاه عارفی را به او داده است. کی خسرو از

پادشاهانی است که توسط سهروردی با القابی چون «الملک‌الصدیق»، «صاحب کیان‌خره» توصیف می‌شود. وی همچنین در رساله لغت موران از جام گیتی‌نمای خسرو یاد کرده است (سهروردی، ۱۳۸۰، ج. ۱/ص. ۵۰۲، ج. ۲/ص. ۱۵۷، ج. ۳/صص. ۲۹۸-۲۹۹). شیرازی، شارح آثار سهروردی، چهار تن از پادشاهان ایرانی (هوشنگ، جمشید، آفریدون و کی‌خسرو) را از بزرگان فرس و از ملوک افاضل در حکمت‌الاشراق سهروردی دانسته است (شیرازی، ۱۳۶۹، ص. ۴۱۸). کی‌خسرو سهروردی از طریق کسب فره، متصل به نیروی نور و خورشید مثالی حقیقت شده است (پورنامداریان، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۷).

## ۲. پرسش‌ها و فرضیات پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است تا به پرسش‌های پیش‌رو پاسخ دهد؛ مهم‌ترین منابع مکتوب موثقی که به اسطوره سفر کی‌خسرو به کوه دنا اشاره کرده‌اند کدام‌اند؟ تا چه حد می‌توانیم در مورد اسطوره سفر کی‌خسرو به کوه دنا، به مدارک باستان‌شناختی استناد کنیم؟

فرضیات قابل طرح عبارت‌اند از: منابع موثق فراوانی به اسطوره سفر کی‌خسرو اشاره کرده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شاهنامه فردوسی، تاریخ طبری، تاریخ گزیده مستوفی قزوینی و فارس‌نامه ناصری اشاره کرد. از مهم‌ترین مدارک و شواهد باستان‌شناختی مرتبط با اسطوره کی‌خسرو، تل‌خسرو یا تپه‌خسرو در نزدیکی یاسوج است که هانیس گاوبه، باستان‌شناس اتریشی آنجا را کاوش کرده است و آثار به‌دست‌آمده را مربوط به قبل از هخامنشیان می‌داند. علاوه بر تل‌خسرو، کشف قبرستانی باستانی (گورستان دهنو/ تاج‌امیر) در محوطه بیمارستان امام سجاده<sup>(ع)</sup> یاسوج مربوط به هزاره سوم قبل از میلاد و اواخر عصر مفرغ به این اسطوره رنگ واقعیت می‌بخشد. این



مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار

گورستان هم‌مانند گورستان هم‌زادش در لما (در ۶۰ کیلومتری شهر یاسوج) در مکانی زیبا مشرف بر رودخانه بشار واقع است که نشان می‌دهد دره بشار در عمر هزاران ساله خود هم‌نشین تمدن‌های باستانی کهن بوده است.

### ۳. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله روش تاریخی - تحلیلی و تطبیقی است که براساس مطالعات کتابخانه‌ای و مستندات و باستان‌شناسی انجام شده است. پس از گردآوری داده‌ها از آثار و مآخذ معتبر، به تحلیل آن‌ها اقدام شد و استنباط لازم به عمل آمد، سپس به مطالعه تطبیقی پرداخته شد که پس از غث و سمین کردن به نتیجه مطلوب و متقن می‌رسد. از طرف دیگر منابع موردنیاز برای گردآوری اطلاعات نیز بنابر شیوه معمول دایره‌المعارف‌های گوناگون علمی، تذکره‌ها، سفرنامه‌ها، کتب و تحقیقات پیشین درباره استان کهگیلویه و بویراحمد و بررسی ادبیات استان و کتاب‌های دیگری است که تاکنون در این باره نوشته شده است. در ارتباط با آنچه مربوط به گذشته است، راهی جزء استناد به منابع مکتوب و نتایج بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی نیست. از این رو تنها ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش پیش‌رو، موارد یادشده است.

### ۴. پیشینه پژوهش

در ذکر پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده درباره اسطوره کی‌خسرو، بخش اول را باید آثاری دانست که در تحلیل و تکمیل رویکرد خوانش عرفان‌گرایانه از این اسطوره تألیف شده است؛ از جمله این تحلیل‌ها می‌توان تحلیل معناشناختی پورنامداریان در کتاب *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی* (پورنامداریان، ۱۳۹۱، صص. ۴۳۸-۴۶۳) و بررسی نمادشناختی حسینعلی قبادی در کتاب *آیین آینه*، سیر تحول نمادپردازی

در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی را ذکر کرد (قبادی، ۱۳۸۸، صص. ۲۲۵-۲۳۰) که تکمیل اسطوره کی خسرو را در تأویل سهروردی از او مورد توجه قرار داده‌اند. مقاله امید همدانی، «حماسه، اسطوره و تجربه عرفانی؛ خوانش سهروردی از شاهنامه» (همدانی، ۱۳۸۸، صص. ۱۳۸-۱۶۲) و تحلیل رزمجو را در مورد حماسه‌های عرفانی در بخشی از اثر وی در قلمرو حماسه می‌توان ذکر کرد (رزمجو، ۱۳۸۱، ج. ۱/ص. ۳۱۰). مقاله فاطمه مدرسی «کی خسرو فرمند به روایت فردوسی و سهروردی» (مدرسی، ۱۳۸۲، صص. ۸۵-۱۰۲)، کتاب حمیدیان به نام *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی* (حمیدیان، ۱۳۷۲، ص. ۳۲۳) و مقاله ثاقب فر «مرگ کی خسرو» از موارد دیگر در این زمینه‌اند (ثاقب فر، ۱۳۴۹، صص. ۱۷-۳۱). بخش دوم پژوهش‌های انجام شده درباره اسطوره کی خسرو را باید آثاری دانست که تحلیل اسطوره‌شناختی متن روایت را مورد توجه قرار داده‌اند. این رویکرد را در بخش‌هایی از آثار مهرداد بهار از جمله کتب *پژوهشی در اساطیر ایران، از اسطوره تا تاریخ و جستاری در فرهنگ ایران* (بهار، ۱۳۷۵، صص. ۲۱۶-۲۳۴، ۱۳۹۵، صص. ۴۷۰-۴۷۷؛ همو، ۱۳۷۶، صص. ۶۹-۷۲)، *حماسه‌سرایی در اساطیر ایران از ذبیح‌الله صفا* (۱۳۷۹، صص. ۵۱۵-۵۲۴) و مقاله «اسطوره کی خسرو در شاهنامه» از ابوالقاسم اسماعیل‌پور می‌توان مشاهده کرد (۱۳۸۹، صص. ۵۷-۷۳). نگاه تطبیقی به این اسطوره نیز در مقالاتی چون «سیاوش، مسیح (ع) و کی خسرو» از آیدنلو دیده می‌شود (۱۳۸۸، صص. ۹-۴۴). برخی مقالات نیز (بخش سوم) به تحلیل محتوای مفاهیم داستان پرداخته‌اند. از جمله چهارگانه «سرگذشت کی خسرو» از مهرداد برومند (۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، صص. ۷۹۹-۸۰۲، ۹۲۲-۹۲۵، ۱۶۰-۱۶۳، ۳۹۸-۴۰۲)، «برداشتی از پیوستن کی خسرو به سروش فردوسی» از علی اصغر مظاهری (۱۳۶۹، صص. ۱۵-۲۳)، «رستم؛ نمازگزار کیش کی خسروی» از بهمن حمیدی (۱۳۷۰، صص. ۵۶۸-۵۷۱)،

مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار

«داستان کی خسرو در شاهنامه؛ بیان یک پیروزی یا تمثیل یک فاجعه» از محمدرضا راشد محصل (۱۳۵۷، صص. ۱۲۸-۱۵۵) و مقاله «جنون فرزانیگی؛ نگرشی به سیمای کی خسرو» از اورنگ خضرای را می‌توان نام برد (۱۳۶۹، صص. ۲۶-۳۵).

##### ۵. اشارات متون تاریخی به اسطوره کی خسرو

مهم‌ترین اثری که روایتی کامل از داستان عروج کی خسرو را نقل کرده، شاهنامه فردوسی است. اگرچه فردوسی در شاهنامه سترگ خویش، از غیب شدن کی خسرو در کوهی و اینکه آن کوه برف‌گیر و صعب‌العبور بوده، سخن می‌راند، اما از نام کوه سخن نمی‌گوید. ولی شواهد و قرائن از جمله روایات تاریخی و جغرافیایی کتب و انطباق اسامی جغرافیایی با شکل روایت اسطوره ما را به این واقعیت تاریخی رهنمون می‌سازد که دنا محل غیب شدن کی خسرو و مرگ همراهانش بوده است. نه تنها فردوسی شاعر اسطوره‌پرداز بلکه حافظ نیز از جام کی خسرو که چون در آن می‌نگریستش احوال جهان و اسرار نهان بدیدی و از ورای حجاب زمان و بعد مکان آنچه خواستی مشاهده کردی یاد می‌کند. شرفنامه نظامی اثر دیگری است که از کی خسرو و پنهان شدن او در غار یاد کرده است. نظامی در یکی از فصل‌های این کتاب داستان دیدار اسکندر از غار کی خسرو را به‌نظم آورده است (نظامی گنجوی، ۱۳۱۶، صص. ۳۳۵-۳۳۹):

چو شه رسم کی خسروی زنده کرد      چو کی خسرو آهنگ دروازه کرد

برون آمد از دیدن تخت و جام      سوی غار کی خسرو آورد گام

(همان، ص. ۳۳۶).

در زین‌ال‌اخبار گردیزی آمده است که کی خسرو پس از هفت روز که از نزد خداوند بازگشت، به بزرگان گفت باید این جهان را ترک کند و نزد خدا رود، پس لهراسب را به‌جانشینی خود برگزید و گنج و سپاه و سرپرده شاهی را به بزرگان و پهلوانان ایران

سپرد؛ «پس برخاست و برفت و اندر بیابان ناپدید شد» (میرعابدینی، ۱۳۸۶، صص. ۲۱۷-۲۱۹). در تاریخ گزیده سرنوشت کی خسرو پس از کشتن افراسیاب و گرسیوز چنین نوشته شده است: بعد از این، شصت سال پادشاهی کرد. پس لهراسب را ولیعهد کرد و از پادشاهی کناره گزید و دل از دنیای فانی برید. «گروهی گویند کی خسرو در دمه بمرد (دمه یکی از گردنه‌های دامنه جنوبی دنا به همین نام باقی است) در کوه دنا، به کوه گیلویه، در میان عراق و فارس، کوهی است که آن را کوشید خوانند». در آن عهد بر آن کوه اژدهایی عظیم پیدا گشت، چنان‌که از بیم آن آبادانی‌ها بازگذاشتند، کی خسرو بفرستاد، آن را بکشت و بر آن کوه آتش‌خانه ساخت (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۹، صص. ۹۰-۹۱).

حمزه اصفهانی نیز در جایی که از کی خسرو سخن گفته، به این کوه اشاره کرده است: «ایرانیان چنین پندارند که وی پیامبر بود، گفته‌اند او به بلخ می‌نشست؛ در اخبار ایرانیان آمده است که کی خسرو را گفتند که در میانه انتهای فارس و آغاز اصفهان کوه سرخی به نام کوشید است و در آنجا اژدهایی است که بر کشتزارها و آدمیان تسلط یافته است. وی با مردان خود بدانجا رفت و اژدها را کشت و آتشکده‌ای بر کوه بنیاد نهاد که به آتش کوشید معروف شد (اصفهانی، ۱۳۴۶، ص. ۳۶). ابوریحان بیرونی، در آثارالباقیه به زمان عروج کی خسرو بر هوا اشاره می‌کند، اما از مکان عروج آن شاه روحانی سخنی نمی‌گوید. البته اندکی پیش‌تر در بخش نوروز و علل پیدایش آن از کوه دما که در فارس است یاد می‌کند، ولی به ارتباط بین این کوه و کی خسرو اشاره‌ای نمی‌کند (بیرونی، ۱۳۵۲، صص. ۲۸۰-۲۸۲).

اگرچه طبری (متوفی ۳۱۰ق) در باب ناپدید شدن کی خسرو می‌نویسد: کی خسرو نهان شد. بعضی‌ها گفته‌اند گوشه گرفت و کس ندانست کجا مرد و مرگش چنان بود و بعضی سخن‌های دیگر گفته‌اند (طبری، ۱۳۵۲، ص. ۴۶۹) و ابوعلی مسکویه (متوفی ۴۲۱ق) می‌گوید: کی خسرو پنهان شد. برخی گویند که برای پرستش یزدان پنهان

مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار

گردیده و کس نداند که در کجا مرده است. پاره‌ای جز این گویند (ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ص. ۷). ابن‌اثیر (۶۳۰ق) در این باره می‌نویسد: پس از آن‌کی خسرو از ایشان جدا گشت و پنهان شد و کس ندانست بر سر وی چه آمد و کی درگذشت. برخی دیگر این داستان را به گونه‌ای دیگر باز گفته‌اند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۰، ص. ۶۸۹). اما همگی از اینکه کی خسرو پنهان شد و اینکه در مکانی برای پرستش غیب شده است اذعان دارند. مؤلف تاریخ گزیه در قرن هشتم هجری وقتی مکان مرگ کی خسرو را در در دمه در کوه دنا به کهگیلویه می‌داند (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۹، ص. ۹۱) و از آنجا که کوه دنا را طبق تعریف واژگانی، مکان مقدسی دانسته‌اند، بنابراین احتمال می‌دهیم که مکان غیب شدن و مرگ کی خسرو کوه مقدس دنا باشد و اگر این احتمال را بپذیریم، صحت داستان سفر کی خسرو به دنا را نیز تأیید کرده‌ایم.

#### ۶. تطبیق و جایابی اسامی جغرافیایی اسطوره سفر کی خسرو با نام‌های اماکن موجود در شهرستان‌های بویراحمد و دنا

به‌روایت مردم یاسوج و سی‌سخت، کی خسرو و همراهانش در طول سفر به دنا از مناطق مختلفی عبور کردند که به یاد کی خسرو و اتفاقاتی که برای او افتاده، نام‌گذاری شده است. انطباق نام اماکن جغرافیایی با سیر منظم و دقیق روایت داستان سفر کی خسرو به دنا جدای از زیبایی‌های طبیعی مناطق مذکور، شکل روایی آن می‌تواند برای هر گردشگری زیبا و جذاب باشد. در ادامه به ردیابی و مکان‌یابی این اماکن در شهرستان‌های بویراحمد و دنا می‌پردازیم:

#### ۶-۱. کوه دنا

کی خسرو پس از خداحافظی با مردم شهر و اهل خانه به‌اتفاق سرداران و لشکریان خود عازم وادی باشکوه و مقدسی می‌شود که از آن پس در حیطة شاهنامه نمی‌گنجد. به‌باور و حتی یقین بسیاری از نسل اندر نسل‌های گذشته مردم ما این سرزمین شایسته و عظیم

و اسرارآمیزد جایی نبوده به جز کوهستان پاک و مقدس دنا (نک: تصویر ۱). کوه دنا برخلاف کوه دماوند (دبناوند) که در اساطیر ایران مرکز دیوها و جادوها به شمار می آید و مأوای ضحاک ماربه دوش را در آنجا می دانند، کوهی مقدس است که کی خسرو در آن غایب شده است. خود کلمه دنا نیز احتمالاً در اصل «دئنا» بوده و به معنای «دین» است. کریستین سن می نویسد: دئنا (دین) یک اصطلاح مذهبی بسیار مهم و اساسی و به گمان من نیبرگ معمای این کلمه ظاهراً مبهم و متناقض را حل کرده است. دئنا نخست به معنای روان مجذوب مؤمن است، سپس جمع روان های مجذوب را گویند، یعنی جمعیتی که دارای یک آیین نیایش مشترک است، یا به عبارت دیگر امت زردشتی (کریستین سن، ۱۳۷۹، ص. ۶۰).



تصویر ۱: نمایی از رشته کوه دنا، شهرستان دنا، در نزدیکی شهر سی سخت (نگارندگان)

**Figure 1: View of Dena Mountain Range, Dena County, Near The City of Sisakht (Authors)**

#### ۶-۲. تل خسرو / خسروی

تل خسروی که آن را بلوک رودخانه نیز گویند میانه شمال و مشرق بهبهان افتاده است از سردسیر است و این ناحیه را تل خسروی برای آن گویند که در میانه اهالی کوه گیلویه معروف است که شاه کی خسرو کیانی بر تل بلندی در این صحرا بنشست و شاه لهراسب را ولیعهد سلطنت خود فرمود (حسینی فسایی، ۱۳۴۰، ص. ۲۶۶). در علت

مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار

نام‌گذاری تل خسرو، دو روایت نزد مردم روستای تل خسرو موجود است که هر دوی آن‌ها به واگذاری پادشاهی کی خسرو به لهراسب ختم می‌شود. روایت این تل را اهالی روستای تل خسرو چنین تعریف می‌کنند: زمانی که به کی خسرو سروش الهی رسید که به دشت یاسوج بیاید، وی به سوارانش دستور داد که هرکدام توبره‌ای خاک روی هم بریزند تا تپه‌ای شکل بگیرد. سپس کی خسرو بر بالای تل می‌رود و لهراسب را به‌جانشینی برمی‌گزیند. برخی از مردم محلی نیز روایت دیگری دارند و آن روایت این است که وقتی کی خسرو در کنار چشمه پرآب، مزرعه بزرگی می‌بیند که پیرمردی ضعیف و تنها در جمع‌آوری محصول عاجز مانده است. کی خسرو دستور می‌دهد سپاهیان هر یک دسته‌ای از محصول را به کمک او جمع‌آوری کنند. پس از جمع‌آوری سریع محصول توسط سپاه، خسرو از پیرمرد پرسید: ای پیرمرد بگو در کار کردن دست‌جمع بهتر است یا دست‌کم؟ پیر می‌گوید: دست‌جمع. سپس می‌پرسد: موقع خوردن دست‌جمع بهتر است یا دست‌کم؟ پیر می‌گوید دست‌کم. خسرو از بخل وی آزرده و خشمگین می‌شود و دستور می‌دهد هر یک از لشکریان یک توبره خاک در کنار آن چشمه روی هم بریزند که با این کار در وسط آن دشت صاف تپه نسبتاً بزرگی ایجاد می‌شود. برای آنکه درحال سخنرانی همه لشکر او را ببینند به بالای تپه می‌رود و ضمن نصیحت لشکریان خود به عدالت و انصاف و مردم‌داری و نیک‌نفسی و وطن‌پرستی، جانشین خود (لهراسب) را بنا به خواهی که دیده بود، به‌جانشینی خود انتخاب می‌کند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۴، صص. ۲۷۲-۲۹۶). براساس روایات محلی، کی خسرو کاخی بر سر این تل یا تپه بنا نهاده بود که پرفسور گاوبه، باستان‌شناس اتریشی آثار آن را به‌صورت عمارتی با آجرهای زرد چهارگوش و آجرهای سرخ از نوع

آجرهای پل علیایی بهبهان (ارجان قدیم) مشاهده کرده و این مکان را به پیش از دوره هخامنشیان مربوط دانسته است (گاوبه، ۱۳۵۹، ص. ۱۱۶).

تل خسرو که با نام تپه خسرو نیز شناخته می‌شود، از جاهای دیدنی یاسوج است که در فاصله‌ای کم‌تر از ۵ کیلومتری آن قرار دارد و سابقه آن به هزاره پنجم پیش از میلاد بازمی‌گردد (نک: تصویرهای ۲ و ۳). ارتفاع آن ۲۰ متر است که بلندترین و مهم‌ترین محوطه باستانی دره بشار شمرده می‌شود و تنها محوطه استقرار و سکونت دائم این دره محسوب می‌شود. این تپه ۱۵۰ متر درازا و ۱۲۰ متر پهنا دارد. پایین‌ترین لایه‌های آن مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد و بالاترین لایه آن، مربوط به یک قلعه قاجاری است. بیشترین ارتفاع تپه مربوط به نیمه شمالی و شمال‌شرق آن است. طیف وسیعی از بقایایی فرهنگی به‌خصوص سفالینه‌های نارنجی و خاکستری، ابزار سنگی، قطعات شکسته، خشت پخته و... در سطح محوطه تا شعاع ۵۰ متری آن مشاهده شده است (همان، صص. ۳۲۵-۳۲۶). شمال‌شرق تپه باستانی که مربوط به دوره اسلامی بود تسطیح و به زمین کشاورزی تبدیل شده است. با این حال در این بخش نیز قلوه‌سنگ‌ها و سفال‌های به‌دست‌آمده نشان‌دهنده آثار تاریخی در این مکان است. تل خسرو در سال ۱۳۷۶ با شماره ۱۵۵۲ در فهرست آثار تاریخی و ملی ایران به‌ثبت رسید.

علاوه بر تل خسرو، کشف قبرستانی باستانی (گورستان دهنو / تاج‌امیر) در محوطه بیمارستان امام سجاد (ع) یاسوج مربوط به هزاره سوم قبل از میلاد و اواخر عصر مفرغ به این اسطوره رنگ واقعیت می‌بخشد (تصاویر ۴ و ۵). گروهی از باستان‌شناسان معتقدند یک سکونت‌گاه باستانی بزرگی در زیر منطقه محمودآباد شهر یاسوج وجود دارد که این قبرستان (دهنو) مربوط به این سکونتگاه است و برخی هم آن را مربوط به سکونت‌گاه تل خسرو می‌دانند (قزلباش و همکاران، ۱۳۹۵، صص. ۱۷۱-۱۹۰). این



مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار

گورستان هم‌مانند گورستان همزادش در لهما (در ۶۰ کیلومتری شهر یاسوج) (تصویر ۶) در مکانی زیبا مشرف بر رودخانه بشار واقع است که نشان می‌دهد دره بشار در عمر هزاران ساله خود هم‌نشین تمدن‌های باستانی کهن بوده است (موچشی و جعفری، ۱۳۹۳، صص. ۹۵-۱۰۶).



تصویر ۲: تل خسرو در نزدیکی یاسوج (نگارندگان)

Figure 2: Tel Khosrow, Near Yasuj (Authors)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۳: تل خسرو، یاسوج، جایگاه آن بخش از تپه که به تدریج از بخش اصلی جدا شد و اینک به کلی پاک شد، در درون کادر قرمز گرد دیده می شود (نگارندگان)

**Figure 3: Tel Khosrow, Yasuj, The Location of That Part of The Hill That Gradually Separated From The Main Part and Now it is Completely Erased, Round Can be Seen Inside The Red Box (Authors)**



تصویر ۴: تصویر ماهواره‌ای از محدوده گورستان تاج‌امیر (فزلباش و همکاران، ۱۳۹۵، ص.

(۱۸۷)

**Figure 4: Satellite Image of The Area of Taj Amir Cemetery (Ghezelbash and Partners, 2016, p. 187)**

مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار



تصویر ۵: وضعیت دو نمونه از قبور گورستان تاج‌امیر (همان، ص. ۱۸۹)

**Figure 5: The Condition of Two Samples From The Graves of Taj Amir Cemetery (ibid, p. 189)**



تصویر ۶: نمایی کامل از وضعیت یک نمونه از قبور گورستان لاما (موجشی و جعفری، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۳)

**Figure 6: A Complete View of The Condition of a Sample of Lama Cemetery Graves (Mochashi and Jafari, 2014, p. 103)**

۶-۳. تالارگه

طبق روایات مردم بومی، اسب‌های لشکریان کی خسرو را در قسمت شرقی تل خسرو در صفوف مرتب می‌بندند و به آن‌ها آب و خوراک لازم را می‌دهند و در کنار آن خوان

سپاهیان گسترده می‌شود و به این مناسبت این نقطه اکنون به تالارگه معروف مانده است (یعقوبی، ۱۱/۰۵/۱۳۹۸).

#### ۶-۴. تل زالی

کی خسرو پس از سخنرانی و نصیحت همراهان در تل خسرو کنونی به مردم‌داری و وطن‌پرستی، جانشین خود را براساس خوابی که دیده بود انتخاب می‌کند. شاه کیانی سپس به سمت کوه دنا روانه می‌شود و در سه کیلومتری یاسوج به سمت سی سخت، زال (از سرداران سپاه) او را بدرقه می‌کند و سپس در کنار تپه‌ای می‌ماند. این محل را به همین خاطر امروزه «تل زالی» می‌گویند (نیک‌اقبال، ۱۷/۰۵/۱۳۹۸).

#### ۶-۵. دره تنگ‌سری / سریس / سریز / سه‌ریز

در ادامه سفر، جایی که دره‌ای مصفا و آبی بس‌زلال و خوش‌گوار بر سر راه قرار می‌گیرد (تصویر ۷) و خسرو و لشکریان تشنه‌اش میل به آشامیدن آب می‌کنند و خسرو جام گیتی‌نمای خود را که می‌توانسته تمام اتفاقات دنیا را در آن ببیند و هرگز آن را از خود دور نمی‌کرد جهت شست‌وشو و آشامیدن آب بیرون می‌آورد، ولی همین‌که آن را در آب فرو می‌برد از دستش می‌لغزد و ناپدید می‌شود و با جست‌وجوی بسیار زیاد دیگر نشانی از آن به‌دست نمی‌آید. سپس خسرو به فکر فرو می‌رود، می‌گوید این هم سری است که یزدان پاک مقرر فرموده و جامی که همه جهان را نشان می‌داد اکنون خود گم می‌شود و این هم نشانه دیگری است که من بیش از این اجازه حکمرانی این جهان را ندارم؛ لذا این دره به‌نام تنگ‌سری، سریس و سه‌ریز خوانده می‌شود (یعقوبی، ۱۱/۰۵/۱۳۹۸) که هم‌اکنون در ده کیلومتری غرب یاسوج قرار دارد.

مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار



تصویر ۷: نمایی از روستای تنگ سهریز، ده کیلومتری غرب یاسوج (نگارندگان)

**Figure 7: View of Tang Se Riz Village, Ten Kilometers West of Yasuj (Authors)**

#### ۶-۶. کوخدان

سپس کی خسرو و تعدادی از سپاهیان به «کوخدان» یا «کومدان» که به گویش محلی آن را «کخدون» می‌گویند می‌رسند (تصویر ۸) و برای در امان ماندن از سردی هوا به همراهانش دستور می‌دهد برای خودشان کوخ موقتی درست کنند تا شب را در آن اطراق کنند (نیک‌اقبال، ۱۷ / ۰۵ / ۱۳۹۸). به همین دلیل آن منطقه را به این نام خوانده‌اند. روستای کوخدان در ۳۵ کیلومتری شهر یاسوج و در ۷ کیلومتری شهر سی سخت واقع شده است.



تصویر ۸: نمایی از منطقه کوخدان، در نزدیکی کوه دنا (نگارندگان)

**Figure 8: View of Koukhdan Area, Near Mount Dena (Authors)**

## ۶-۷. سی سخت

شهر امروزی سی سخت در غرب و شمال غربی یاسوج و دامنه جنوبی کوه دنا قرار گرفته است (تصویر ۹). انجوی شیرازی می نویسد: مردم آنجا (سی سخت) درباره وجه تسمیه شهر خود می گویند: پادشاه کیانی، کی خسرو پس از ارائه آخرین سخرائی اش برای همراهان و سایر مردم و انتخاب لهراسب به جانشینی خود با مردم خداحافظی می کند و همراه چند تن از پهلوانان که با وجود اصرار او باز نمی گردند به سوی مکانی که امروزه سی سخت نام دارد رفت (انجوی شیرازی، ۱۳۵۴، صص. ۲۷۲-۲۹۶). در نهایت این سی مرد فولادین و سرسخت به علت سرمای بیش از حد از بین رفتند. به همین دلیل این منطقه را سی سخت نام نهادند؛ یعنی سرزمینی که سی تن از مردان آن زمان در آن جان سپردند (اقتداری، ۱۳۷۵، ص. ۵۲۶). مردم ساکن سی سخت پایان داستان را به این شکل حکایت می کنند: کی خسرو بعد از پایان سفر و رفتن به غار تبدیل به سنگواره شد و اکنون هنوز سنگواره ای در انتهای آن غار باقی مانده است؛ هرکس درون غار رود و به آن سنگواره نزدیک شود، خود نیز سنگ می شود (یعقوبی، ۱۳۹۸/۰۵/۱۱).



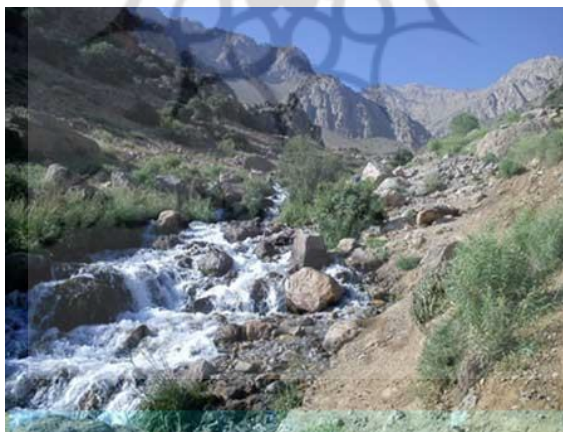
تصویر ۹: نمایی از شهر سی سخت، مرکز شهرستان دنا (نگارندگان)

Figure 9: View of The City of Sisakht, Dena City Center (Authors)

مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار

#### ۶-۸. چشمه بشو/ بشور یا چشمه میشی

این چشمه یکی از جاهای دیدنی یاسوج است که در فاصله ۵ کیلومتری از شهر سی سخت قرار گرفته و آب شرب این منطقه را تأمین می‌کند (تصویر ۱۰). نام چشمه بشو یا بشور از صیغه فعل امر «شستن» فارسی گرفته شده است. در بیشتر مناطق فارس و کهگیلویه و بویراحمد، نام این چشمه را «بشو» می‌خوانند (حسینی فسایی، ۱۳۴۰، ص. ۲۶۶؛ انجوی شیرازی، ۱۳۵۴، صص. ۲۷۲-۲۹۵) و نام آن بدین سبب است که از جانب خدای تعالی وحی به کی خسرو رسید که در این چشمه تن‌شویی و غسل کند. اما در روایتی از روستای گنجه‌ای سه‌ریز، واقع در شمال‌غربی شهر یاسوج نام این چشمه به چشمه میشی معروف است، به این دلیل که وقتی کی خسرو و همراهانش نزدیک این چشمه رسیدند، یک میش کوهی نمایان شد، کی خسرو آن را با تیر و کمان از پای درآورد و به‌همین دلیل این چشمه به چشمه میشی معروف شد. این وجه‌تسمیه عامیانه نادرست شاید از آنجا به‌وجود آمده است که در برخی لهجه‌های این ناحیه، فعل امر «بشور/ بشوی» را مشی تلفظ می‌کنند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۴، ص. ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۳).



تصویر ۱۰: نمایی از چشمه بشو/ چشمه میشی، در پنج کیلومتری سی سخت (نگارندگان)

**Figure 10: View of TheBeshoSpring/ Mishi Spring, Five Kilometers FromSisakht (Authors)**

## ۶-۹. گردنه بیژن

در دنباله گردنه کوه دنا، در شمال شهر سی سخت گردنه بزرگ و درازی است به ارتفاع تقریب چهار فرسخ (تصویر ۱۱). اسم این گردنه بیژن یا بیزن است. مردم بومی آنجا می‌گویند: کی خسرو در نهایت در گردنه‌ای که امروزه به نام گردنه بیژن مشهور است از جوان‌ترین و قوی‌ترین سردار خویش بیژن جدا شد (مجیدی، ۱۳۷۱، ص. ۵۹۱). بعد از غیب شدن کی خسرو، همه پهلوانانی که همراه او بودند جان سپردند و تنها رستم و بیژن زنده ماندند. اما باد بیژن را نیز در گردنه بیژن از چنگ رستم ربود و به جای نامعلومی برد. در روایتی دیگر، رستم پس از ناپدید شدن کی خسرو و پهلوانان ایران دنبال آن‌ها رفت، ولی به دلیل برف و بوران شدید نتوانست جلو برود. می‌گویند وقتی بهار شد، در گردنه بیژن، بیژن را دیده‌اند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۴، صص. ۲۷۳-۲۹۱). حسن فسایی در این رابطه می‌گوید: در میانه شمال و مشرق روستای گنجه‌ای (شمال غربی شهر یاسوج)، به مساحت دو فرسخ کتلی است، یعنی گردنه و عقبه که آن را به زبان اهل کهگیلویه مله بیژن گویند. در این کتل، بیژن و همراهان کی خسرو از باد و برف هلاک شده‌اند و تاکنون در این مله بیژن برف‌های بی اندازه می‌بارد و بادهای سخت می‌وزد (حسینی فسایی، ۱۳۴۰، ص. ۲۶۶).



تصویر ۱۱: گردنه بیژن، در شمال سی سخت (نگارندگان)

Figure 11: Bijan Neck, In The North of Sisakht (Authors)



#### ۶-۱۰. برد شاه / سنگ شاه

در شمال سی سخت، در گردنه بیژن و بالاتر از چشمه بشو، تخته‌سنگ مکعب‌شکل بزرگی وجود دارد به نام «بردشاه / سنگ‌شاه». روایت‌های محلی حاکی از آن است که کی خسرو بر بالای این سنگ رفت و آخرین نصایح خود را به سپاهیان‌ش بازگو می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که بازگردند، زیرا این سفری بدون بازگشت برای او خواهد بود. پس از آن خودش ناپدید شد که بعدها به همین علت این سنگ به نام «برد شاه» یا «سنگ شاه» که در زبان لری برد به معنی سنگ است معروف شد (یعقوبی، ۱۱ / ۰۵ / ۱۳۹۸).

#### ۶-۱۱. چشمه چه کنم

در شمال سی سخت چشمه‌ای بدین نام وجود دارد. وجه تسمیه این چشمه آن است که بعد از غیب شدن کی خسرو پهلوانان کنار این چشمه جمع شدند و با هم مشورت کردند که «چه بکنیم و چه نکنیم»؛ به همین دلیل این چشمه به این نام شهرت یافته است (نیک‌اقبال، ۱۷ / ۰۵ / ۱۳۹۸).

#### ۶-۱۲. دره آسمانی

در بین پهلوانان چون بیژن بیش از همه مدیون کی خسرو بوده هم به لحاظ تلاش خسرو در آزادی او از زندان افراسیاب و هم به جهت دوستی بسیار نزدیک پدرش گیو با خسرو، بیش از دیگران احساس مسئولیت و بی‌قراری و نهایت کوشش خود را جهت همراه بودن با خسرو تا آخرین مقصد داشته است، با عده‌ای از سرداران دیگر سر در پی او می‌گذارند و مسیر لشکریانی که در پی او روان بوده‌اند و رد پای اسب کی خسرو در میان برف راهنمای حرکت قرار می‌گیرد تا اینکه به دره‌ای در ضلع شمالی دنا جایی

که امروزه دهی به نام خفر وجود دارد می‌رسند و در آنجا با همه سعی و تلاش حتی کوچک‌ترین اثری از رد و پا و مسیر حرکت خسرو نمی‌یابند، لذا این دره را دره آسمانی خطاب می‌کنند، زیرا معتقد می‌شوند که از اینجا خسرو به آسمان‌ها عروج نمود (همان).

#### ۶-۱۳. مادوان

شهری در بخش مرکزی شهرستان بویراحمد استان کهگیلویه و بویراحمد که نام آن برگرفته از مکانی است که مادیان مورد علاقه شاه (کی خسرو) بیمار شده و مدتی را شاه برای درمان آن در مکان مذکور اطراق کرده بود (یعقوبی، ۱۱/۰۵/۱۳۹۸).

#### ۶-۱۴. تنگ گنجه‌ای

در سیزده کیلومتری شهر یاسوج و در مسیر یاسوج به سی سخت یکی از جاذبه‌های اصلی این شهر قرار گرفته است که از آن به عنوان گنجه‌ای بی‌نظیر در یاسوج یاد می‌کنند. براساس روایت‌های شفاهی مردم آنجا، کی خسرو در مکانی که امروز، بانام «تنگ گنجه‌ای» معروف است به تقسیم طلا و جواهرات (گنجه‌ها) بین مردمانی که به استقبال آمده بودند، پرداخت و به همین دلیل نام این منطقه را نیز تنگ گنجه‌ای گفته‌اند (همان).

#### ۶-۱۵. غار کی خسرو

آخرالامر کی خسرو وارد غاری شد و از دیده‌ها پنهان شد که به (غار کی خسرو) معروف است و بومیان بر این اعتقادند که طلسم است و کسی نمی‌تواند وارد این غار شود و اعتقاد به زنده بودن و بازگشت وی دارند. انجوی شیرازی می‌گوید: اهالی روستاهای اطراف کوه دنا نقل می‌کنند که بارها در جلوی غاری که در بالای این کوه

مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار

است پیرمردی کهن سال را دیده‌اند، ولی وقتی خواسته‌اند به او نزدیک شوند غیب شده است. همچنین معتقدند هرکس کی خسرو را ببیند کور می‌شود و عده‌ای چنین سرنوشتی داشته‌اند. طبق روایات شفاهی مردم آنجا، کی خسرو در پایان سفر در این غار وارد شد و به نیایش یزدان پرداخت تا روزی که دوباره فرمان یابد و به جهان بازگردد و ایران را از چنگ اهریمن و سپاهیان او برهاند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۴، صص. ۲۶۶-۲۷۲، ۲۹۰-۲۹۶؛ همو، ۱۳۵۸، صص. ۱۷۷-۱۸۲). این غار بسیار عظیم و باشکوه بوده که گویا در دو‌یست تا سیصد سال قبل در اثر صاعقه یا زلزله و رانش ریزش کرده و اکنون فقط نشانی از آن باقی است و گویند در انتهای غار چشمه‌ای بس گوارایی بوده که اسب بر آن بسته شده و در دو طرف آن دو بوته بزرگ و شاداب گیاهی خاص روئیده داشت که اسب خسرو تا از خوردن بوته‌ای فارغ می‌شد بوته دیگر به حد کافی رشد کرده بود.

## ۷. نتیجه

اسطوره سفر کی خسرو به کوه دنا که در میان مردم این مناطق بر سر زبان‌هاست، جدای از سرودن و به‌نظم درآوردن آن توسط فردوسی که اشعاری کاملاً منطبق با سیر روایی داستان دارد، در منابع دست اول تاریخی که در قرون سوم و چهارم هجری نوشته شده‌اند نیز به آن داستان از منظر واقعه تاریخی اشاره شده است. نام‌های جغرافیایی که در حوزه مکانی مورد بحث (شهرستان‌های بویراحمد و دنا)، وجود دارد از جمله: تل خسرو، تل زالی، مادوان، تنگ گنجه‌ای، سی سخت، کوخدان، گردنه بیژن، چشمه بشو و غار کی خسرو، نه تنها از منظر گردشگری طبیعی و اکوتوریسم، بلکه در حوزه توریسم و آداب و رسوم (توریسم فرهنگی) و به‌ویژه سیر تاریخی و جغرافیایی اسطوره، روایت این اسطوره و بیان وجوه تسمیه اماکن مذکور، می‌تواند ظرفیت‌های بسیار خوبی برای

جذب گردشگر داشته باشد. اسطوره سفر کی خسرو پادشاه عادل کیانی به دنا، برخلاف اغلب اسطوره‌ها، چنان نظمی در خط و سیر مکانی وقوع حوادث دارد که تمامی بخش‌های داستان را برای شنونده و خواننده موزون و قابل قبول می‌سازد. اسطوره‌های کهن ایران‌زمین در کهگیلویه و بویراحمد، نه افسانه بلکه رویدادهای واقعی هستند که در اذهان مردم این دیار جاودانه مانده‌اند. امروزه مکانی به نام تل خسرو در نزدیکی یاسوج وجود دارد که برگرفته از نام کی خسرو پادشاه کیانی از سلسله کیانیان است که قبل از هخامنشیان بر ایران حکومت می‌کرده‌اند. با کاوش‌های باستان‌شناسی در تل خسرو آثار پایه‌های کاخ کی خسرو نمایان شده و همچنین اسکلت و اشیایی تاریخی نیز در مجاورت آن کشف شده که دارای قدمتی هفت‌هزار ساله بوده است و نشان از تدفین مردگان به روش ایرانیان باستان دارد. هم‌اکنون نام بسیاری از قلل و مکان‌ها در دنا و دامنه‌ها و کوهپایه‌های آن متأثر از این افسانه است. همچنین کشف قبرستانی باستانی (گورستان دهنو/ تاج‌امیر) مربوط به هزاره سوم قبل از میلاد به این افسانه‌ها رنگ واقعیت می‌بخشد. براساس مدارک و مستندات باستان‌شناختی یک سکونت‌گاه باستانی بزرگی در زیر منطقه محمودآباد شهر یاسوج وجود دارد که این قبرستان (دهنو) مربوط به این سکونتگاه است و برخی هم آن را مربوط به سکونت‌گاه تل خسرو می‌دانند. این گورستان هم مانند گورستان هم‌زادش در لما (در ۶۰ کیلومتری شهر یاسوج) در مکانی زیبا مشرف بر رودخانه بشار واقع است که نشان می‌دهد دره بشار در عمر هزاران ساله خود هم‌نشین تمدن‌های باستانی کهن بوده است.

#### منابع

- ابن اثیر (۱۳۷۰). تاریخ کامل. ترجمه م. روحانی. تهران: اساطیر.  
ابن مسکویه (۱۳۶۹). تجارب‌الامم. ترجمه ا. امامی و ع. منزوی. تهران: سروش.

مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار

- ابوریحان بیرونی، م. (۱۳۵۲). آثارالباقیه. ترجمه ا. داناسرشت. تهران: ابن‌سینا.
- اصفهان‌ی، ح. (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان. ترجمه ج. شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصفهان‌ی، ع. (۱۳۸۲). تحفه‌الملوک. تصحیح ع. احمدی دارانی. تهران: میراث مکتوب.
- اقتداری، ا. (۱۳۷۵). خوزستان و کهگیلویه و ممسنی - جغرافیای تاریخی و آثار باستانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مؤسسه فرهنگی آیات.
- انجوی شیرازی، ا. (۱۳۵۴). مردم و شاهنامه. تهران: امیرکبیر.
- انجوی شیرازی، ا. (۱۳۵۸). مردم و قهرمانان شاهنامه. تهران: سروش.
- انجوی شیرازی، ا. (۱۳۶۹). فردوسی‌نامه. تهران: علمی.
- اسماعیل‌پور، ا. (۱۳۸۹). اسطوره کی خسرو در شاهنامه. بخارا، ۱۳ (۷۶)، ۵۷-۷۳.
- آیدنلو، س. (۱۳۸۸). سیاوش، مسیح (ع) و کی خسرو (مقایسه‌ای تطبیقی). پژوهش‌های ادبی، ۶ (۲۳)، ۹-۴۴.
- برومند، م. (۱۳۵۶، ۱۳۵۷). سرگذشت کی خسرو. گوهر، ۵ (۱۰)، ۸۰۲-۷۹۹، ۵ (۱۱ و ۱۲)، ۹۲۵-۹۲۲، ۶ (۲)، ۱۶۰-۱۶۳، ۶ (۵)، ۳۹۸-۴۰۲.
- بهار، م. (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و دوم). تهران: آگاه.
- بهار، م. (۱۳۷۶). جستاری چند در فرهنگ ایران. تهران: فکر روز.
- بهار، م. (۱۳۹۵). از اسطوره تا تاریخ. گردآوری و ویرایش ا. اسماعیل‌پور. تهران: چشمه.
- پورنامداریان، ت. (۱۳۹۱). رمز و داستان‌های رمزی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ثاقب‌فر، م. (۱۳۴۹). مرگ کی خسرو. جهان‌نو، ۲۵ (۳)، ۱۷-۳۱.
- حسینی فسایی، ح. (۱۳۴۰). تاریخ فارس‌نامه ناصری. تهران: کتابخانه سنایی.
- حمیدی، ب. (۱۳۷۰). رستم؛ نمازگزار کیش کی خسروی. چیستا، ۹ (۵)، ۵۶۸-۵۷۱.
- حمیدیان، س. (۱۳۷۲). درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی. تهران: نشر مرکز.
- خضرای، ا. (۱۳۶۹). جنون فرزانه‌گی؛ نگرشی به سیمای کی خسرو. کلک، ۱ (۱۱ و ۱۲)، ۲۶-۳۵.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه \_\_\_\_\_ سال ۱۰، شماره ۴۵، مرداد و شهریور ۱۴۰۱

راشده‌محصل، م. (۱۳۵۷). داستان کی خسرو در شاهنامه؛ بیان یک پیروزی یا تمثیل یک فاجعه. هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی، ۱۲۸-۱۵۵.

رزمجو، ح. (۱۳۸۱). قلمرو ادبیات حماسی ایران. ۲ ج. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و سخن گستر.

سهروردی، ش. (۱۳۸۰). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. ۳ ج. تصحیح و تحشیه و مقدمه ح. نصر و مقدمه و تجزیه و تحلیل فرانسوی هنری کربن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی. شیرازی، ق. (۱۳۶۹). دره‌التاج. تهران: حکمت.

صفا، ذ. (۱۳۷۹). حماسه‌سرایی در ایران؛ از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم ه.ق. تهران: امیرکبیر.

طبری، م. (۱۳۵۲). تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک). ترجمه ا. پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

عطار، ف. (۱۳۸۷). الهی‌نامه. تصحیح م. شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

فردوسی، ا. (۱۳۹۳). شاهنامه. تصحیح ج. خالقی مطلق. تهران: سخن.

قبادی، ح. (۱۳۸۸). آیین آینه: سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

قزلباش، ا.، جعفری، م.، رجبی، ن.، و محمدخانی، ک. (۱۳۹۵). کاوش باستان‌شناختی گورستان تاج‌امیر. مطالعات باستان‌شناسی، ۸ (۱)، ۱۷۱-۱۹۰.

کریستن‌سن، آ. (۱۳۷۹). کیانیان. ترجمه ذ. صفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کریستن‌سن، آ. (۱۳۸۶). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان. ترجمه ژ. آموزگار و ا. تفضلی. تهران: چشمه.

کشاورزی، س.، واردی، ز.، و رضایی دشت‌ارژنه، م. (۱۳۹۸). بازتاب ایزدان اساطیری جنگ در افسانه‌های استان‌های چهارمحال و بختیاری، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد. فرهنگ و ادبیات عامه، ۷ (۲۸)، ۲-۲۲.

- مکان‌یابی نام‌های جغرافیایی در منطقه کهگیلویه و بویراحمد... حسین کوهستانی اندرزی و همکار  
 گاوبه، ه. (۱۳۵۹). *ارجان و کهگیلویه، از فتح عرب تا پایان دوره صفوی*. ترجمه س. فرهودی.  
 تهران: انجمن آثار تاریخی.
- مجیدی، ن. (۱۳۷۱). *تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و ممسنی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- مدرسی، ف. (۱۳۸۲). کیخسرو فرهمند به روایت فردوسی و سهروردی. شناخت، ۱۳ (۳۷)،  
 ۸۵-۱۰۲.
- مستوفی قزوینی، ح. (۱۳۳۹). *تاریخ گزیده*. به اهتمام ع. نوایی. تهران: امیرکبیر.
- مظاهری، ع. (۱۳۶۹). برداشتی از پیوستن کیخسرو به سروش فردوسی. *صوفی*، ۹، ۱۵-۲۳.
- موجشی، ا.، و جعفری، م. (۱۳۹۳). مهر استوانه‌ای کتیبه‌دار با نقش شترمرغ از گورستان لما.  
*مطالعات باستان‌شناسی*، ۷ (۱)، ۹۵-۱۰۶.
- میرعابدینی، ا.، و صدیقیان، م. (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیری - حماسی ایران به روایت منابع بعد از  
 اسلام*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نظامی، ن. (۱۳۸۷). *خمسه (براساس چاپ مسکو-باکو)*. تهران: هرمس.
- نظامی گنجوی، ج. (۱۳۱۶). *شرفنامه*. به کوشش ح. وحید دستگردی. تهران: مطبعه ارغوان.
- همدانی، ا. (۱۳۸۸). حماسه، اسطوره و تجربه عرفانی، خوانش سهروردی از شاهنامه. *نقد ادبی*،  
 ۲ (۷)، ۱۳۸-۱۶۲.
- ب) مصاحبه‌شوندگان  
 یعقوبی، س.م. ۱۱/۰۵/۱۳۹۸، معلم بازنشسته، ۵۷ سال، لیسانس.  
 نیک‌اقبال، ز. ۱۷/۰۵/۱۳۹۸، کشاورز و دامدار. ۶۴ سال، تحصیلات ابتدایی.

## References

### Written sources

- Abu Rihan B. M. I. A. (1973). *Asar- allbaghieh* (translated into Farsi by Akbar Dana Sarsht). Ibn Sina.
- Aidenloo, S. (2009). Siavash, Masih (AS) and Kaykhosrow (comparative comparisons). *Literary Research*, 6(23), 44-9.
- Anjou Shirazi, S. A. (1975). *People and Shahnameh*. Amirkabir.

- Anjou Shirazi, S. A. (1979). *People and Heroes of Shahnameh*. Soroush.
- Anjou Shirazi, S. A. (1990). *Ferdowsi letter*. Scientific.
- Attar, F. (2008). *Theology* (edited by Mohammad Reza Shafiei Kadkani). Sokhan.
- Bahar, M. (1996). *A research in Iranian Mythology (Part I and II)*. Agah.
- Bahar, M. (1997). *A few essays on Iranian culture*. Fekr Rooz.
- Bahar, M. (2016). *From myth to history* (edited by Abolghasem Esmailpour) Cheshmeh.
- Boroumand, M. (1977 & 1978). The story of Kaykhosrow. *Gohar*, 5(10), 802-799, 5(11-12), 925-922, 6(2), 163-160, 6(5), 402- 398.
- Christensen, A. (2000). *Kianian* (translated into Farsi by Zabihullah Safa). Book Translation and Publishing Company.
- Christensen, A. (2007). *Examples of the first man and the first prince in the history of Iranian mythology* (translated into Farsi by Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafazli). Cheshmeh.
- Eghtedari, A. (1996). *Khuzestan and Kohgiluyeh and Mamasani - historical geography and antiquities*. Association of Cultural Works and Honors, Ayat Cultural Institute.
- Ferdowsi, A. (2014). *Shahnameh* (edited by Jalal Khaleghi Motlagh). Sokhan.
- Gavbeh, H. (1980). *Arjan and Kohgiluyeh, from the Arab conquest to the end of the Safavid period* (translated into Farsi by Saeed Farhoudi). The Association of Historical Monuments.
- Ghezelbash, E., Jafari, M. J., Rajabi, N., & Mohammadkhani K. (2016). Archaeological excavation of Taj Amir cemetery. *Quarterly Journals of Archaeological Studies, Department of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran*, 8(1), 190-171.
- Ghobadi, H. A. (2009). *Mirror ritual: the evolution of symbolism in Iranian culture and Persian literature*. Tarbiat Modares University.
- Hamedani, O. (2009). Epic, myth and mystical experience, Suhrawardi's reading of Shahnameh. *Bimonthly of Literary Criticism*, 2(7), 162-138.
- Hamidi, B. (1991). Rostam; the worshiper of Kish Kaykhosravi. *Chista*, 9(5), 571-568.
- Hamidian, S. (1993). *An introduction to Ferdowsi thought and art*. Markaz.
- Hosseini Fasaie, H. I. H. (1961). *History of Naseri Persian letter*. Sanai Library.



- Ibn Athir, I. (1991). *Complete history* (translated into Farsi by Mohammad Hossein Rouhani). Myths.
- Ibn Muskawiyah. (1990). *Tajareb- allomam* (translated into Farsi by Abolghasem Emami and Ali Managhi Manzavi) Soroush.
- Isfahani, A. I. H. (2003). *Tohfeh Allmollook* (edited by Ali Akbar Ahmadi Darani). Written Heritage.
- Isfahani, H. I. H. (1967). *History of prophets and kings* (translated into Farsi by Jafar Shaar). Iranian Culture Foundation.
- Ismailpour, A. (2010). The myth of Kaykhosrow in the Shahnameh. *Bukhara*, 13(76), 73-57.
- Keshavarzi, S., Wardi, Z., & Rezaei Dasht-e Arjaneh, M. (2019). Reflection of the mythical God of war in the legends of Chaharmahal and Bakhtiari, Lorestan, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad provinces. *Bimonthly of Culture and Public Literature*, 7(28), 22-2.
- Khazraei, A. (1990). Madness of wisdom; an attitude towards Kaykhosrow, *Kalk*, 1(11-12), 35-26.
- Majidi, N. M. (1992). *History and geography of Kohgiluyeh and Mamasani*. Scientific and Cultural.
- Mazaheri, A. A. (1990). *A perception of Kaykhosrow Joining Soroush Ferdowsi*. *Sufi*, 9, 23-15.
- Mir Abedini, S. A., & Sedighyan, M. (2007). *Mythical-epic culture of Iran according to post-Islamic sources*. Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Mocheshi, A., & Jafari, M. J. (2014). Seal of inscribed cylinders with the role of ostriches from Lama cemetery. *Bimonthly Quarterly of Archaeological Studies*, 7(1), 106-95.
- Modarressi, F. (2003). Kaykhosrow Farahmand narrated by Ferdowsi and Suhrawardi. *Two Scientific-Research Quarterly Journals of Cognition*, 37(1), 102-85.
- Mostofi Qazvini, H. I. A. B. (1960). *Selected history*. Amirkabir.
- Nezami Ganjavi, J. A. M. E. I. Y. (1937). *Sharafnameh* (edited by Vahid Dastgerdi). Arghavan Press.
- Nezami, N. (2008). *Khamseh (based on Moscow-Baku edition)*. Hermes.
- Pournamdarian, T. (2012). *Mysteries and mysterious stories*. Scientific and Cultural Publications.

- Rashed Mohassel, M. R. (1978). *The story of Kaykhosrow in Shahnameh expressing a victory or allegory of a catastrophe*. 8th Iranian Research Congress, 155-128.
- Razmjoo, H. (2002). *The realm of Iranian epic literature*. Institute of Humanities and Speech.
- Safa, Z. (2000). *Epic in Iran; from the oldest historical era to the fourteenth century AH*. Amirkabir.
- Saghebfar, M. (1970). The death of Kaykhosrow. *Two Scientific-Research Quarterly Journals of the New World*, 25(3), 31-17.
- Shirazi, Q. M. I. M. (1990). *Dar Al-Taj*. Hekmat.
- Suhrawardi, Sh. Y. (2001). *Collection of Sheikh Ishraq's works* (edited by Seyyed Hossein Nasr and Introduction and Analysis by Kerpen) Institute of Humanities.
- Tabari, M. I. J. (1973). *Tarikh Tabari (Tarikh al-Rasool wa al-Muluk)* (translated into Farsi by Abolghasem Payende). Iranian Culture Foundation.

#### **Interviewees**

- Nik Iqbal, Zarir, interviewee, 05/17/2018, agriculture and animal husbandry, 64 years old, primary education.
- Yaquobi, Seyyed Mohammad, interviewee, 11/05/2018, retired teacher, 57 years old, bachelor's degree.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی